



این محله را کی ساخته؟

خاطرات محله‌های تهران با افرادی که
روزگاری مشهور بوده‌اند گره خورده است



گزارش را با اسکن
این کیوارکد ببینید.



حاج حسین آقاملک عتیقه‌هایش را پس گرفت

دعوا بر سر گلدان‌های اهدایی ناپلئون

مجلات با ۳۵۰۰ سال قدمت



پیام منونی

سر دبیر هشتپه‌ری محله

بیشتر مردم تاریخچه تهران را با زمان قاجار و سؤال تهران چگونه پایتخت شد؟ هم سنگ می‌دانند. این تصور از آنجانشأت می‌گیرد که بیشتر ابنیه قدیمی تهران مربوط به زمان قاجار است. بناهایی چون کاخ گلستان، کوشک احمد شاهی، کاخ صاحبقرانیه، باغ فردوس و محلاتی چون عودلجان و بازار تهران در زمان قاجار شکل گرفت و ساخته شد. به همین لحاظ تصور عمومی بر تاریخ تهران روی همین زمان متمرکز شده است. حال آنکه کمتر می‌دانیم تهران در زمان زندیه، افشاریه، صفویه و حتی بسیار پیش از آنها در ۲۵۰۰ سال پیش سکونتگاه مردمی بوده که در جای جای این شهر زندگی می‌کردند حتی قبل از قیطر به آثار هفت هزار ساله‌ای در منطقه مولوی تهران کشف شد که نشان می‌داد، تاریخ تهران به هفت هزار سال می‌رسد.

داستان از حفر یک چاه فاضلاب در منطقه مولوی آغاز شد. به‌دنبال کشف قطعه سفال‌های متعلق به حدود ۴۰۰۰ سال پیش در اوایل آذرماه ۹۳، منطقه مولوی تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی مجوز انجام مطالعات باستان‌شناختی در این منطقه را صادر کرد. کار حفر فاضلاب متوقف و عملیات باستان‌شناسی در این منطقه آغاز شد تا اسکاكت زنی متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد سر از دل خاک بیرون آورده و موجب شگفتی جهانیان شد. در همان روزها بازارچه صندوق‌سازان مورد حفاری باستان‌شناسی قرار گرفت و ۳ قطعه سفال نیز از آنجا به‌دست آمد. قدمت این سفال‌ها شگفتی‌ساز بود؛ هر کدام ۶۷۵۲، ۶۷۵۳و ۴۹۵۰ سال قدمت داشتند.

در سال ۱۳۲۷ بود که یکی از مالکان قیطر به برای ساخت ملک خود مجوز گرفته و آغاز به گودبرداری کرد. هنگام تسطیح زمین در تپه‌های قیطر به بود که اشیای باستانی آشکار شد. کاوش‌ها در تپه‌های قیطر به منجر به کشف ۳۵۰ گور باستانی با آیین‌های تدفین تک نفره و دو نفره شد و تعداد زیادی اشیای فرهنگی به‌دست آمد. وجود آثار اشیای کشف شده در کنار مردگان اثبات می‌کرد ساکنان تپه قیطر به به زندگی بعد از مرگ اعتقاد داشتند. کشف این آثار اثبات می‌کرد تپه قیطر به نزدیک به ۳۵۰۰ سال به‌عنوان سکونتگاه قدمت دارد. جز قیطر به محلات تهران در جای جای خود این تاریخ را یدک می‌کشند. رود دره‌های تهران که امروزه با نام محلات آنها را می‌شناسیم جزو چنین سکونت‌گاه‌هایی بوده‌اند. محله فرحزاد، محله دارآباد، محله کن، محله اوین، محله درکه، محله تجریش و جز این رودرها، محله مهران در نزدیکی رسالت و تپه واوان در نزدیکی فرودگاه امام(ره) در تاریخ تهران نقش داشته‌اند.

تهران در زمان صفویه دیگر مبدل به شهری با محلات ۱۴گانه شده بود. شاه طهماسب صفوی دستور داد دور تهران حصاری بکشند تا از گزند دشمنان دور باشد. این حصار با ۱۱۴ بارو به نشان عدد سوره‌های قرآن ساخته شد. حصار تهران ۶۰۰۰ قدم طول داشت. برای ساخته شدن حصار تهران از دو محله تهران گودبرداری شد تا خاک مورد نیاز برای ساختن حصار تأمین شود.

یک

هنگام هدیه دادن کتاب رعایت کنید...

تقدیم به مادر بزرگ عزیزم!



دو

هنگام هدیه گرفتن کتاب هم رعایت کنید...

دست درد نکنه! داستان زندگی خانواده خودته؟!؟



سه

بعضی کتاب‌ها، کتاب مرجع هستند. باور بفرمایید برای مطالعه مناسب نیستند...

بیا پسر! لقمه دهنده رو برات خریدم بشین مطالعه کن، درس زندگی ارش بیاموز! هنوز پولدار نشدم!



چهار

کتاب را باید بخوانید. فقط به عنوان روی جلدش توجه نکنید...

آقا چرا با احساسات مردم بازی می‌کنید؟ من هشت تا فورباغه فوت دادم هنوز پولدار نشدم!



آرزوی بچه‌ها برآورده می‌شود

مریم قاسمی

بچه‌های تحت پوشش خیریه جوادالائمه(ع)

خیابان امینی شادآباد امسال نیز به رسم هر ساله در جشن رمضان، آرزوهایشان را با نام و فامیل روی کاغذ نوشتند و همانجا گذاشتند تا یک روز برآورده شوند.



حاج «محمدعلی ذاکری» و «پوران یوسفی»، زوج نیکوکار اهل شادآباد تهران، بانای کارهای خیرند و حرف‌های جالبی درباره ۳۰۰ بچه یتیم

تحت پوشش خیریه جوادالائمه(ع) برای مادران. ذاکری، خانواده‌ا در انتخاب راهی که پیش گرفته تأثیرگذار می‌داند و می‌گوید: «شادآباد در قدیم محله‌ای کارگرتشین و محروم بود. حاج داوود پدرم هم‌بچه‌الله، دستش به دهانش می‌رسید و یکی دو سال از انقلاب نگذشته بود که یک پیکان خرید انداخت زیر پایش. آن موقع اگر برای اهل محل گرفتاری پیش می‌آمد این پیکان پدرم بود که عازم بیمارستان می‌شد. مر حوم مسادر «البین غلامی» هم این روحیه را داشت. در مناسبت‌ها و اعیاد با پول‌هایی که حاجی برای خرج روزانه اهل طاقچه می‌گذاشت، لباس و پوشاک و بسته‌های غذایی می‌خرید و به‌دست نیازمندان می‌رساند». محمد آقا عقیده دارد نان و نمکی که سر سفره پدر و مادرش خورده او را به امور خیرخواهانه و خدمت به مردم کشانده است. او که ۵۰ سال از خدا

عمر گرفته با همراهی «پوران یوسفی»، همسرش، در کنار رسیدگی به خانواده‌های بی‌ضاعت و بانوان بی‌سرپرست، ۳۰۰ بچه یتیم را تحت حمایت مادی و معنوی قرار داده‌اند. البته حاج‌آقا ذاکری عنوان می‌کند که با آمدن ایتم دختر و پسر به جمع خانواده‌اش، برکت، فراوانی نعمت و روشنائی وارد زندگی‌شان شده است. او و همسرش اکنون ۱۷ دختر و ۱۲۰ پسر از ایتم جنوب شهر تهران را سرپرستی و حمایت می‌کنند تا جای خالی پدر را احساس نکنند. هر سال در یکی از شب‌های احیا، جشنی با حضور ایتم تحت پوشش خیریه جوادالائمه(ع) برگزار می‌شود که بخش ویژه‌ای دارد. بچه‌ها خواسته‌ها و آرزوهای خود را با نام و فامیل روی کاغذ می‌نویسند و روی میز می‌گذارند. امسال هم تعداد ۱۶۰ آرزو به‌دست‌شان رسیده که ذاکری گفته تا پایان اردیبهشت‌ماه همه آرزوهای بچه‌ها برآورده می‌شود. از خرید گوشی‌های اندروید، تبلت، دوچرخه و کیف گرفته تا عروسک، کفش پاشنه‌بلند، درمان مادر و سفر که هزینه‌هایشان به‌همت خیران مرتفع می‌شوند.



۳۶ مسجد

در محله قدیمی «پامران» وجود دارد و همین دارایی موجب شده عنوان محله‌ای با بیشترین مسجد به پامران اختصاص پیدا کند. در این محله بیش از ۳ هزار نفر زندگی می‌کنند.



۵ ملک

در محله «زینییه» هست که باعث شده این محدوده منطقه ۱۳ عنوان محله‌ای با کمترین املاک را داشته باشد. درحالی‌که وسعتش به ۱۲۴ هکتار می‌رسد. بیشترین بخش محله زیر چتر فضای سبز است.



۲۰۰ سال

قدمت قدیمی‌ترین کوچه تهران یعنی «مرو» است. این کوچه از کوچه‌های تاریخی خیابان ناصرخسرو است و نامش از مالک قدیمی محمدحسن‌خان مروی املاک گرفته شده.



۱۲هکتار

وسعت محله «هزارسنگ» است که عنوان کمترین مساحت بین سایر محله‌های تهران را به‌خود اختصاص داده است.

هزارسنگ محله‌ای ناآشنا در دل کوچه‌های درکه است.



دستاوردهای جسورانه

۱۳ بهمن ۱۴۰۰ انجمن نویسندگان جوان اکباتان همایش رونمایی از ۱۱۴ کتاب از نویسندگان دهه نودی و دهه هشتادی را برگزار کرد. فاطمه رضوی به‌عنوان دبیر همایش تلاش کرد تا به مهمانانی که از ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف شرکت کرده بودند نشان دهد اعتماد به نوجوانان و جوانان دستاوردهای جسورانه، بزرگ و خلاقانه‌ای به همراه دارد. دستاوردی که باعث شد برای نخستین بار کتاب‌هایی با موضوعات مختلف داستانی، علمی، زندگینامه‌شدها توسط نوجوانان و جوانان غرب تهران نوشته شود و بسیاری از این کتاب‌ها به مرحله ترجمه هم برسند.



عطر گل و گلاب در تهران پیچید

این روزها رایحه خوش گل محمدی و عطر گلاب نساب در نقاط مختلف تهران پیچیده است. گلابگیران از شهرهای کاشان، نیاسر و قمصر دیگ‌ها و بسبساط گلابگیری را برپا کرده‌اند و عطر گلاب و انواع عرقیات گیاهی را به همه‌جا پراکنده‌اند. در کنار برپایی مراسم سنتی گلابگیری، مراحل تهیه گلاب از گلبرگ‌های محمدی را برای بازدیدکنندگان کنجکاو ی که مشتاقانه به تماشا ایستاده‌اند، شرح می‌دهند. در کنار استنشام عطر خوش گل و گلاب، بازار گرفتن عکس یادگاری با دیگ‌های گلابگیری و غلاتان نوزادان در طبق‌های پراز گلبرگ‌های گل محمدی داغ است. اگر مشتاق شدید در این مراسم شرکت کنید تا ۲۹ اردیبهشت فرصت دارید به فرهنگسراهای اشراف، فردوس، بهمن و دریاچه شهدای خلیج‌فارس (چیتگر) بروید و از این سنت بومی لذت ببرید.



حاشیه جشنواره گل و گلاب در جشنواره اشراف

۱۱ هزار تومان برای چیتگر

قدمت چیتگر به ۱۲۰ سال قبل می‌رسد. زمین‌های کشاورزی چیتگر قبلاً متعلق به خاندان پروفسور حساسی بوده و به مرور زمان خشک یا به ساختمان، کارخانه و خانه‌های مسکونی تبدیل شده است. سال ۱۲۹۷ بود که پیداللهمان میرزا حساسی کل منطقه چیتگر را با قیمت ۱۱ هزار تومان از «قمر تاج بیهانی» دختر آیت‌الله بیهانی خرید و ۶ هزار تومان آن را به صورت اقسا پرداخت کرد. چیتگر شمالی از قدیمی‌ترین شهرک‌های تهران محسوب می‌شود.



۱۰۰۰ کیلو چای برای یاختی آباد

از تاجر «ابوالقاسم مفرح» به‌عنوان بانی یاختی آباد یاد می‌شود. او روزی سفارش خرید ۱۰۰ کیلو چای را به یکی از کشور‌های خارجی می‌فرستد. اما مگسی در کنار مفرهای ۱۰۰ کیلو می‌نشیند و نقطه‌ای از خود به‌کنار می‌گذارد. در نتیجه تاجران خارجی عدد را هزار کیلو می‌خوانند و می‌فرستند. از قضا چای گران می‌شود و به این وسیله مفرح ثروت زیادی به‌دست می‌آورد. در نتیجه اوکل یاختی آباد اکثر رستابوده می‌خرد و برای آبادی‌اش با ساخت‌مکان‌هایی مانند بیمارستان تلاش می‌کند.



۱۰ خروار اربابی برای یافت آباد

سال ۶۰۶ هجری، یعنی آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، اجازه داده شد که اراضی‌خالصه که زمین‌های دولتی تهران بودند، فروخته‌شود. این ایده در دوره مظفرالدین‌شاه، به تهران هم سرایت کرد و بیشتر دهات اطراف تهران که خالصه دولتی بودند به اعیان و اشراف فروخته‌شد. عبدالحسین میرزا فرمانفرماییان، داماد مظفرالدین‌شاه، هم یافت‌آباد را که آن زمان پشت دروازه طهران قرار داشت به ۱۰ تومان و ۱ خروار اربابی خرید در حالی که هزار تومان و هزار خروار قیمت داشت.



۴۰ هزار تومان صرف نازی آباد

بانی شکل‌گیری محله نازی آباد، فردی به نام ناز خاتون یا امینه اقدس بوده است. طبق اسناد، ۱۶۸ سال پیش «امینه اقدس» ۴۰ هزار تومان از دربار پول می‌گیرد تا صرف آبادانی مزارع و کشتزارهای ناز آباد کند. او چند حلقه چاه هم حفر کرده و آب چاه‌ها را در اختیار کشاورزان می‌گذارد و از آنها آب‌بها می‌گیرد. سال ۱۲۳۴ امینه اقدس فوت می‌کند و چون ناصرالدین‌شاه علاقه زیادی به «هلجک»، برادر امینه اقدس داشت، قریه ناز آباد را به او بخشید.



نصرالله حدادی

تهران پژوه

چهارراه گلوبندک در تقاطع خیابان پانزدهم خرداد و خیابان خیام یکی از چهارراه‌های قدیمی تهران است. علت نامگذاری این چهارراه را باید در میان خاطرات «حسن اعظام‌الوزاره» جست‌وجو کرد. او می‌گوید در کوچه‌های اطراف این محل افرادی در روزگار قاجار، به کار خارج کردن اجسام گیر کرده در گلولی افسراد – مثلاً استخوان و امثالهم – مشغول بوده و با دمیدن (همان فوت کردن) در بینی افراد و بستن بلافاصله راه‌های خروجی پاد (از جمله گوش‌ها) آن جسم خارجی را بیرون می‌آوردند و این چنین شد که نام این محل گلوبند شد و با «گ» مصغری که بعدها به آن افزودند و با شکل‌گیری چهارراه، نامش را گلوبندک گذاشتند! این چهارراه مدت‌هاست به‌خاطر موقعیت خاصش از ازدحام و ترافیک رنج می‌برد؛ به‌همین دلیل قسمتی از بخش‌های غربی و شرقی آن بسته شده، تا با ایجاد زیرگذر شاید علاوه بر حفظ ساختمان‌های قدیمی بخش شمال شرقی آن – کاخ دادگستری – تردد خودروها و آدم‌ها، ساده و سهل شود.

اقدسیه؛ هدیه شاه

به‌سوگلی



علیرضامانی

تهران پژوه

نام هریک از محله‌های تهران برای خود ماجرا و حکایتی دارند. محله اقدسیه در شمال شهر یکی از همان محله‌هاست که داستان نامگذاری آن مانند بسیاری از محله‌هایی که در زمان قاجار رشد کردند با این خاندان گره خورده است. مثلاً آبادی اقدسیه پیش از آنکه به این نام معروف شود میان اهالی آبادی‌های ششمیران به نام حصارملا شناخته می‌شد. صاحب زمین‌های حصارملا هم محمدناصرخان ظهیرالدوله، پدر علیخان ظهیرالدوله بود. علیخان ظهیرالدوله بعدها شد داماد ناصرالدین‌شاه قاجار. محمدناصرخان ظهیرالدوله، این‌ا اراضی را به ناصرالدین‌شاه هدیه داد و شاه قاجار هم در این زمین‌ها برای خود یک عمارت کلاهدرنگی بنا کرد. البته عمارت ناصرالدین‌شاه کمی بعد از ساخت این عمارت که البته عمارت بزرگی هم نبود، آن را به یکی از همسرانش، زبیده‌خاتم، ملقب به امینه اقدس، هدیه داد و از همین دوره بود که نام این اراضی از حصار ملا به اقدسیه تغییر کرد.

نام افراد تأثیر گذار بر محله‌ها مانده



مهرشاد کاظمی

تهران پژوه

از زمانی که ردای دارالخلافه به تهران پوشانده شد، افراد بسیاری در توسعه آن نقش داشتند. در آن زمان اغلب شخصیت‌ها و خان‌ها و بزرگان اقوام از شهرهای مختلف به تهران می‌آمدند و جایی را برای سکونت انتخاب می‌کردند. بعد از مدتی اقوام و همشهری‌هایشان هم می‌آمدند و در آن محدوده ساکن می‌شدند و وقتی محله شکل می‌گرفت نام بزرگ قشمان را روی آن می‌گذاشتند. این میان کسانی که بیشترین مهاجرت را به تهران داشته و نقش بسیاری در آبادانی این شهر داشتند، از شهرهای استان مرکزی بودند. آنها کارهای ماندگاری از خود به جا می‌گذاشتند. از جمله بزرگان اقوامی که از اراک و فراهان و دیگر شهرهای استان مرکزی به تهران آمده و در این شهر تأثیر گذار بودند، یکی قائم‌مقام فراهانی بود که نیاز به شرح فعالیت‌هایش نیست و در سوی دیگر هم مستوفی‌ها بودند که محله‌های بسیاری از حسن آباد تا یوسف‌آباد را دایر کردند. نیاز به یادآوری نیست که محله حسن‌آباد از نام حسن مستوفی، به‌جفت‌آباد از نام خواهرش بهجت و یوسف‌آباد از نام پدرش یوسف وام گرفته‌اند. دلیل دیگری که این افراد در ساخت محله‌ها سهیم شدند این بود که وقتی ناصرالدین‌شاه حصار صفوی را خراب کرد، برای ساخت حصار جدید و ساخت خندق پول لازم داشت. شاه قاجار در ازای دریافت هزینه ساخت خندق و حصار، زمین‌های بسیاری را به مستوفی‌الممالک واگذار کرد که این زمین‌ها را به نام خود و فرزندان‌ش آباد کرد.

البته در فرهنگ ما ایرانی‌ها این موضوع که نام محله به‌نسام افرادی که آن را ساخته و آباد کرده باشند گره خورده، موضوع عجیبی نیست. چون مثلاً شهر بندرعباس را هم که شاه‌عباس توسعه داد و آباد کرد از همان زمان به این نام خوانده شده. برخی محله‌های تهران هم نام واقف زمین محله رویشان مانده است. مثلاً فیروز‌گرها جزو زمین‌داران بزرگ تهرانی بودند که برخی زمین‌هایشان را وقف کردند و هنوز هم نامشان روی کوچه و محله‌های تهران باقی مانده است. بحث وقف زمین و شکل‌گیری محله در دوره ناصرالدین‌شاه بیش از سایر دوره‌ها بود. چون همسران شاه بر سر اینکه نامشان به یس‌ادگار و ماندگار بماند رقابت داشتند و برخی زمین‌ها و دارایی‌هایشان را وقف کردند و پایه شکل‌گیری محله‌هایی مثل اقدسیه، منیریه و... را گذاشتند.

منطقه ۱

● حصار یوغلی: شاه‌زاده همایون ● باغ فردوس: حسینعلی‌خان معیرالممالک ● محمودیه: محمودخان علاءاحتمالسلطنه ● زعفرانیه: حسنعلی‌خان معیرالممالک ● نکمت: حسینعلی‌خان حکمت ● نیاوران: عبدالحسین فرمانفرما

منطقه ۷

● ارامنه: کاشانی‌پور، پورصلح (رئیس برق ملی)، لقمان کریمی

● خواجه‌نصیر و گرگان: فخرالدوله (نوه ناصرالدین‌شاه) ● کاچ: نوربان (تاجر جواهرات)، سرهنگ نظری، جلیل محمدیان، حاج قاسم‌علی‌آبادی

● بهار: فردی به‌نام وکیلی ● مجیدیه: میرزا عین‌الدوله، صدراعظم

● مجیدیه جنوبی: عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، صدراعظم محمدعلی‌شاه ● زرشک: دکتر زرشکی، وارطان آبولیان و آرمناک قنبری

● مسعودیه: حاج پرویز نوری شیرازی ● مشیریه: امیر سلیمانی، زمین‌دار بزرگ دوران پهلوی و اسدالله اعلم

● شهید پروچردی: امیر سلیمانی، مالک بزرگ آتابک: میرزا علی‌اصغر خان آتابک، صدراعظم قاجار ● کیانشهر: حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه قاجار

● صفا: مصدق ● شهید اسدی: دکتر علی‌امینی ● پیروزی: ناصرالدین‌شاه

● تختی: پدر جهان‌پهلوان تختی ● خزانه: آریاب جمشید (زرتشتی) ● یاختی آباد: ۲برادر به نام مهدی و عباس خزانه

● ونگ: میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک ● آمانیه: معیرالممالک ● سید خندان: سیدخندان قهوه‌چی ● داوودیه: عبداله معنوی ● زرگنده: میرزا یوسف آشتیانی ● دروس: مهدی‌قلی‌خان هدایت

● سنایی: مستوفی‌الممالک ● جمالزاده: فتح‌لی‌شاه ● ایرانشهر: شخصی آلمانی به‌نام فیشر ● جهاد: میرزا یوسف آشتیانی ● امیرآباد: میرزاتقی‌خان امیرکبیر ● ساعی: مهندس کریم ساعی

● اسماعیل آباد: محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، از وزرای ناصرالدین‌شاه ● دولتخواه: اصغرعلی حاج حسین، ملقب به دولتخواه ● یافت‌آباد: میرزا آقاسی، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، مرتضی‌خان ● خلیج فارس: اسلامی، مؤسسی، حقانی، صحرانورد و بدالله‌خان بیوک و روشن ضمیر ● نوروز آباد: اسماعیل فیروز پسر محمدحسین فرمانفرما

● کوهسار: فردی به نام یاسینی ● جنت‌آباد شمالی: فردی به نام طرشتی ● شهران شمالی: کنی‌ها و حصارکی‌ها ● جنت‌آباد مرکزی: نظام‌السلطنه ● شاهین: فردی به نام طباطبایی ● پرواز: خاتم‌ورزی ● فردوس: اسلامی و زارع

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۴

● حکیمیه: میرزا علیقلی حکیم‌الممالک ● تهرانپارس: هرمز ارش ● قنات کوثر: جمشید مهریانی ● اوقاف: عبدالوهاب تهرانی ● شمشیران‌نو: ۷برادر به نام «جعفریان» ● لویزان: تیرداد بارسقیان (حسابدار دبیرستان البرز) ● مجیدیه شمالی: شازده سلطان «محمود» ● پیمین‌السلطنه: نوربان (تاجر جواهرات)، سرهنگ نظری، جلیل محمدیان، حاج قاسم‌علی‌آبادی

● ونگ: میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک ● آمانیه: معیرالممالک ● سید خندان: سیدخندان قهوه‌چی ● داوودیه: عبداله معنوی ● زرگنده: میرزا یوسف آشتیانی ● دروس: مهدی‌قلی‌خان هدایت

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۲

● بهارستان: فتح‌علی‌شاه قاجار ● هرنودی: ناصرالدین‌شاه ● خیابان ایران: عین‌الدوله، پسر فتح‌علی‌شاه

منطقه ۲

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۳

● ونگ: میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک ● آمانیه: معیرالممالک ● سید خندان: سیدخندان قهوه‌چی ● داوودیه: عبداله معنوی ● زرگنده: میرزا یوسف آشتیانی ● دروس: مهدی‌قلی‌خان هدایت

منطقه ۶

● سنایی: مستوفی‌الممالک ● جمالزاده: فتح‌لی‌شاه ● ایرانشهر: شخصی آلمانی به‌نام فیشر ● جهاد: میرزا یوسف آشتیانی ● امیرآباد: میرزاتقی‌خان امیرکبیر ● ساعی: مهندس کریم ساعی

منطقه ۹

● کوهسار: فردی به نام یاسینی ● جنت‌آباد شمالی: فردی به نام طرشتی ● شهران شمالی: کنی‌ها و حصارکی‌ها ● جنت‌آباد مرکزی: نظام‌السلطنه ● شاهین: فردی به نام طباطبایی ● پرواز: خاتم‌ورزی ● فردوس: اسلامی و زارع

منطقه ۱۱

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۳

● صفا: مصدق ● شهید اسدی: دکتر علی‌امینی ● پیروزی: ناصرالدین‌شاه

منطقه ۱۴

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۵

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۶

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۷

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۸

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۱۹

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۰

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۱

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۲

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۳

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۴

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۵

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۶

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۷

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۸

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۲۹

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۳۰

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما

منطقه ۳۱

● سادات آباد: سیدضیاءالدین طباطبایی (سادات‌آباد) ● یوانک: فردی به نام احمدآباد ● گیشا: دو شریک به نام‌های کی‌نژاد و شاپوریان ● دریان‌نو: مهدی ابراهیمی دریانی ● یونک: خانواده فرمانفرما



«مادر جون خانه سالمندان» و راز ۵۰ سال خیرخواهی

نصیبه سجادی «مردی غریب و فقیر زنگ خانه‌ای را به صدا درمی‌آورد و عاجزانه به صاحبخانه می‌گوید که مادر همسر معلول است، زمینگیر شده، کنترل ارادر و مدفوع ندارد، دائم ناسزا می‌گوید فرزندانم وقتی کوچک بودند، تحمل می‌کردند. حالا بزرگ شده‌اند و چون اتاق، متعفن و آلوده شده، از خانه گریزانند. دستم به دامن تان...»

این واقعه در یک شب سرد زمستانی برای اشرف قندهاری، بانی خانه سالمندان کهریزک، اتفاق می‌افتد و جرقه فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای را می‌زند که تا آخر عمرش ادامه می‌یابد و او را براننده القابی چون «مادر ترزای ایران»، «بانوی رنگین کمان» و «مادر جون معلولان» می‌کند. سال ۱۳۵۱ است. آدرسی که خانم قندهاری به مرد مستاصل داد جایی نبود جز خانه خیریه کهریزک در انتهای جاده قم، بعد از بهشت زهرا (اس) که دکتر محمدرضا کاظم‌زاده لاهیجی، فقط برای اینکه این افراد جایی برای خواب و نانی برای خوردن داشته باشند راه‌اندازی کرد. قندهاری می‌گوید: «پس از مدتی، آن مرد دوباره به سراغم آمد و با التماس از من خواست که یک‌بار هم شده از آسایشگاه دیدن کنم.»

قندهاری که از ۱۷ سالگی در حسینه خانه پدری به نیازمندان کمک می‌کرد، می‌گوید: «نزدیک که شدم نشانی کهریزک را پرسیدم، محلی‌ها به من نشانی مکانی به نام «بو» را می‌دادند. به آسایشگاه رسیدم. بوی تعفن همه‌جا را فراگرفته بود. دکتر لاهیجی، اگر چه بانی خیر شروع کرده بود، ولی دست‌تنها بود. چون آن منطقه دور افتاده بود، شهرداری حاضر نبود زباله‌ها را حمل کند. پس زباله‌ها را جمع‌آوری کردیم، بعد دستگاه زباله‌سوز هم گرفتیم و...»



شهر فرشتگان

کهریزک امروز شباهتی به کهریزک دیروز ندارد. از محوطه‌ای ۱۰۰۰ متری با ۲ اتاق خرابه به ۴۸۰ هزار مترمربع رسیده است. ۴ هزار نفر در این شهر زندگی می‌کنند و فروشگاه‌ها، بیمارستان، مدارس مختلف و ۵۰ کارگاه دارد. ۹۰۰ بانوی نیکوکار - همان گروهی که بانی‌اش قندهاری بود - در آسایشگاه و در کنار پرسنل، به بیماران و نیازمندان کمک می‌کنند و برای آنها پول جمع‌آوری می‌کنند تا چرخ این آسایشگاه بهتر بچرخد. مادر جون خانه سالمندان که همه‌داری‌اش را وقف کار خیر کرد، سال ۱۳۹۵ از دنیا رفت و در همین خانه آرام گرفت.

خانواده پهلوان، هیبتی اند

حاج رضامحمدنژاد از قدیمی‌های حسینه حضرت ابوالفضل (ع) با خانواده امن‌زاده ارتباط نزدیکی دارد. او می‌گوید: «خانواده پهلوان امن‌زاده هیبتی‌اند. حتی شهید علی اصغر امن‌زاده با آن سن کم در این هیبت خدمت می‌کرد. علی اصغر بسیار فروتن و افتاده بود و در زمان شهادت ۱۹ سال بیشتر نداشت. اهل محل یادشان هست که اگر او در کوچه و خیابان سالخورده‌ای می‌دید، با اصرار زیاد بارشان را به دوش می‌گرفت و تا خاتمه‌شان می‌برد.»



دست به خیر از دوران جوانی

اکبر مقدم از جوانانی است که عمرش را در هیبت‌های عزاداری محله جوادیه گذرانده و خانواده امن‌زاده را خوب می‌شناسد. می‌گوید: «پهلوان حاج حسن، برکت و افتخار محله است. ارتباط گرم و صمیمانه با اهل محل دارد و جز میانداری در حل مشکلات مردم در کارهای خیر از همه جلوتر است. محرم هر سال اول سهمیه غذای خانواده‌های فقیر را کنار می‌گذارد. از همان دور آن جوانی دست به خیر و با معرفت بود.»



رفتار و منش حسن امن‌زاده، باعث ورزشکار شدن خیلی‌ها و نجات زندگی‌های بسیاری شده است

مدال‌های پهلوان فدای یک تار موی بچه‌های محل

رضا نیکنام پهلوان، قهرمان، نیکوکار و بامرام؛ او هیچ کدام از این القاب را درباره خودش قبول ندارد و می‌گوید برای او که عمری را با کوچک و بزرگ جوادیه تهران گذرانده، فقط یک «بچه محل» است و بیش از اینها نمی‌ازد. بچه محل به زعم حاج حسن امن‌زاده یعنی همسایه‌ات با شکم گرسنه، سر بر بالین نگذارد.



خون فرزندم رنگین‌تر از خون علی اصغر نیست

پهلوان حاج حسن امن‌زاده در جوانی ازدواج کرد و در کنار مربیگری کشتی و هیبت‌داری، مسئولیت زندگی را هم پذیرا شد. حاصل زندگی‌اش ۴ فرزند است، ۳ پسر و یک دختر. رضا و حسین امن‌زاده که راه پدر را پیش گرفته‌اند و مربیگری کشتی و تیم‌داری می‌کنند و لیلا امن‌زاده تحصیلات عالی دارد و در بخش جراحی قلب در یکی از بیمارستان‌های تهران فعالیت می‌کند. حالا بخوانید درباره علی اصغر امن‌زاده، فرزند دیگر خانواده که در منطقه شلمچه به شهادت رسیده است.

انگار آمده بود بپازد تادلی را شاد کند

وقتی حسن نوجوان بود با همسالان خود کشتی می‌گرفت، گاهی می‌باخت و بعضی وقت‌ها هم می‌برد. اما لذتی که از باخت‌هایش داشت کمتر از بردهایش نبود چون با شادی دیگران خوشحال‌تر می‌شد! انگار گاهی فقط به روی تشک می‌آمد تا فقط بپازد؛ باختنی که عین برد بود برایش. او با همین روحیه در باشگاه داریوش جوادیه و سعدیان منیریه، کشتی می‌گرفت تا اینکه لباس تیم ملی نصیبش شد و وقت درو کردن مدال‌های رنگی از رقابت‌های جهانی و حتی المپیک رسید. وقتی نوجوانان و جوانان در حسینه‌ای او درباره قهرمانی‌هایش می‌پرسند دستی بر سرشان می‌کشد و می‌گوید: «دارایی‌ام از دوران کشتی فقط ۶ مدال طلای جهان و المپیک است که هم‌اکنون فدای یک تار موی بچه محل هست.»

عشق اهل بیت^(ع) و نوکری عزاداران حسینی

آن حسن چست و چابک، بزرگ و بزرگ‌تر و به جوانی با تجربه تبدیل شد. او پس از دوران طلایی شرکت در رقابت‌های مختلف کشتی جهان و المپیک در نهایت سال ۱۳۴۷ تصمیم گرفت بر تشک کشتی بوسه زند و این بار مربیگری را تجربه کند. این دوران هم باشکوه بود، چون شاگردانی مثل عباس جدیدی، محسن کاوه و برادران توپچی تربیت کرد که آوازه نامشان تا دور دست‌ها هم رسید. اما همه اینها یک طرف، عشق و ارادت به اهل بیت (ع) و نوکری عزاداران حسینی طرف دیگر. در همان دوران، بانی راه‌اندازی حسینه حضرت ابوالفضل (ع) در محله شد و یواش‌یواش پای چهره‌های ورزشی مثل کشتی‌گیرها به این حسینه باز شد؛ مثل برادران مقدم.

حسینه‌ای که خیلی‌ها ورزشکار کرد

وقتی حاج حسن خانه‌اش را به حسینه تبدیل کرد مثل بعضی‌ها خط کش گذاشت که تو بیا و تو نیا. حضور در اینجا برای همه آزاد بود؛ حتی معتادان و کارتن‌خواب‌ها. به حرف دیگران هم کاری نداشت؛ عقیده داشت که مهمانان محفل عزای امام حسین (ع) هر که باشند آنقدری عزت دارند که خاک کفش‌هایشان را بگیرد و جلوی پایشان جفت‌شان کند. فقط خدا می‌داند که چه تعداد آدم آخر خطی در این حسینه نجات پیدا کردند و ورزشکار شدند؛ حسینه‌ای که محل رشد و تربیت فرزندانش هم بود.

۶ مدال رنگارنگ

جهانی‌حاصل دوران ورزشی، حاج حسن امن‌زاده در دهه ۴۰ است. اواز سال ۱۳۴۷ شاگردان بسیاری تربیت کرد که معروف‌ترین آنها عباس جدیدی و محسن کاوه است.



همان سالی است که خبر شهادت علی اصغر امن‌زاده به محله جوادیه تهران رسید. پهلوان حاج حسن امن‌زاده با شنیدن این خبر گفت: «خون پسرمن از خون حضرت علی اصغر رنگین‌تر نیست.»





این گلدان را با اسکن
کد پیوند

دعوا بر سر گلدان‌های اهدایی ناپلئون

بهاره خسروی

داستان از آنجا شروع شد که در زمان جنگ‌های ایران با همسایه شمالی، میان ناپلئون بناپارت و فتحعلی‌شاه عهدنامه‌ای به نام «فینکنشتاین» بسته شد. آنطور که در کتاب‌های تاریخی آمده است ژنرال گاردن از افسران زبده ارتش فرانسه، همراه هیأتی به نمایندگی از ناپلئون برای ایجاد روابط حسنه و تنظیم مفاد عهدنامه، راهی ایران شد. در این سفر ۲ جفت گلدان فرانسوی (ساخت کارخانه سور) از طرف ناپلئون بناپارت به دربار ایران هدیه شد.

بعد از عهدنامه «فینکنشتاین» درباره اینکه چه بر سر گلدان‌های اهدایی ناپلئون آمد تا از خانه پدری حاج حسین آقا ملک در بازار بین‌الحرمین سر در آورند اطلاعات دقیقی در اسناد تاریخی نیست. اما ماجرای حضور این گلدان‌ها در دربار پهلوی اول در سال ۱۳۱۷ زمان عروسی ولیعهد جوان با فوزیه، بود که نقطه شروع مناقشه رضاشاه با حاج حسین آقا ملک شد. عروس خارجی دربار ایرانی کلی هزینه روی دست شاه گذاشته بود. از طرفی قرار بود در این ماجرا جلال و جبروت و زیبایی‌های ایران به رخ سران دنیا و کسانی که شاهد این عروسی بودند، کشیده شود. برای همین در روزنامه‌های آن دوره فراخوانی منتشر کردند که هرکسی از خاندان‌های ثروتمند و رجال درباری اشیای تزیینی، عتیقه و ارزشمند دارد برای اجرای مراسم عروسی به دربار امانت دهد. به نوشته «حسین مکی» نگارنده کتاب «تاریخ بیست‌ساله ایران»، ثروتمندان و خانواده‌های سرشناس می‌دانستند، دادن اشیای ارزشمند و میراثی به دربار، بی‌بازگشت است. برای همین به فکر مخفی‌کاری افتادند. اما آن‌ها را سرپرستی که حاج حسین آقا ملک آن‌ها را سرپرستی کرده بود و برای ادامه تحصیلات به اروپا رفته بودند و در آن زمان مسئول تشریفات دربار بودند، از سوی شهروانی به عنوان مأمور به خانه حاج حسین آقا ملک رفتند و تقاضای گرفتن گلدان‌ها را کردند. حاج حسین آقا به خوبی می‌دانست که این امانتی بی‌بازگشت است. به همین دلیل در قبال تحویل گلدان‌ها رسید گرفت. اما گلدان‌های اهدایی ناپلئون بعد از اجرای مراسم عروسی در دربار پهلوی ماندگار شد. تا اینکه بعد از شروع جنگ جهانی دوم و تبعید رضاخان به جزیره موریس و روی کار آمدن ولیعهد جوان، حاج حسین آقا ملک رسیدی را که بابت امانت دادن گلدان‌ها در دست داشت به دربار فرستاد و گلدان‌ها را پس گرفت. اکنون از این گلدان‌ها در موزه ملک نگهداری می‌شود.



حکایت دره عزل

سوهانک، یک واقعه سیاسی مهم در دل خود نهفته دارد. آنطور که تهران‌پژوه‌ها می‌گویند و در منابع تاریخی مستند نوشته شده است، یک روز وقتی ناصرالدین‌شاه برای شکار به این قریه خوش آب و هوا رفته بود در همین جا فرمان عزل میرزا آقاخان نوری را صادر کرده، از این‌رو در آن زمان به این محله دره عزل می‌گفتند.



چنار ۹۰۰ ساله

نماد اصلی محله سوهانک درخت چنار قطوری به حساب می‌آید که همسایه مسجد جامع سوهانک است. کسی در ست نمی‌داند عمر این چنار چقدر است. اما آنطور که از قدیم دهان به دهان گشته و اهالی از پدرانشان شنیده‌اند این درخت کهنسال که به‌خاطر شکل شاخه‌هایش به چنار ۷ شاخه معروف است حدود ۹۰۰ سال قدمت دارد.



محله سوهانک روزگاری جایی برای آرامش بود

یک دل سیر هوای تازه

پریسانوری

این هفته قرعه محله گردی ما به محله سوهانک در منطقه یک تهران رسید؛ محله‌ای خوش آب و هوا در شمال شرق پایتخت که در دامنه رشته‌کوه‌های البرز جا خوش کرده و روزگاری جزو آبادی‌های شمیران بوده است. خانه‌های محله سوهانک همه روی بلندی ساخته شده، برای همین ساکنان این خانه‌ها هر صبح اول یک دل سیر هوای کوهستان را نفس می‌کشند و بعد سراغ کسب و کارشان می‌روند.

تفاوت شمال و جنوب محله

بافت شمال و جنوب محله سوهانک تفاوت چشمگیری دارد. کوچه‌های خاکی و دیوارهای کاهگلی شمال محله شمارا به روزگار قدیمی این سرزمین می‌برد، در حالی که جنوب محله هیچ نشانه‌ای از ده قدیمی ندارد و مثل همه جای تهران پر از برج‌های کوتاه و بلند است و زندگی در آن مثل یک شهر مدرن جریان دارد. منابع تاریخی را که ورق بزنید تا قبل از دهه ۴۰ که هنوز پای برج‌ها و شهرک‌ها به این محله باز نشده بود، اینجا فقط یک ده بود با کشتزارها، دره‌ها و باغ‌های سرسبز که حدود ۶۰۰ نفر جمعیت داشت.

همنشینی چنار و مسجد

سال‌هاست چنار کهنسال محله در همسایگی مسجد جامع سوهانک جا خوش کرده است. بدون مناره که سال ۱۳۲۶ شمسی به همت اهالی روستا ساخته شده. قصه همسایگی چنار ۷ شاخه با مسجد هم خواندنی است، محمد کریمی می‌گوید: «پدران ما تعریف می‌کردند وقتی شاه‌عباس دستور داد هر آبادی جلوی مسجد و امامزاده‌ای درخت چنار بکارند، آن زمان در آبادی فقط یک حسینی‌یه بود و ما هم این چنار را کاشتیم و بعدها مسجد هم کنار چنار ساخته شد.» با گشت و گذار در محله بنای ساختمان قدیمی حسینی‌یه با آن گنبد نقره‌ای‌اش پیدا می‌شود. اهالی می‌گویند قدمت این حسینی‌یه بیش از ۱۰۰ سال است و بنایش در سال ۱۳۴۲ بازسازی شده است.



مرز نامریی پردردسر

سوهانک از جنوب با بزرگراه ارتش و از غرب و شرق به مینی‌سیتی و گردنه کوچک محصور است اما شمال محله یعنی همانجایی که ده قدیم سوهانک قرار دارد به رشته‌کوه‌های البرز می‌رسد. در واقع شمال محله یک مرز نامریی دارد که باعث می‌شود ساخت و سازها بیش از این به دل کوه نروند. اهالی معتقدند این مرز نامریی این روزها در دسر بزرگی برای اهالی قدیمی این محله درست کرده است. این در دسر به قانون ارتفاع ۱۸۰۰ متری حریم شهری از سطح دریا برمی‌گردد. طبق قانون خانه‌های بالاتر از این ارتفاع جزو شهر نیستند. حالا این مرز نامریی در ست از دل محله می‌گذرد و این باعث شده خانهای در حریم شهری باشد و خانه‌ای که چند متر آن‌طرف‌تر است جزو شهر به حساب نیاید و به آن امکانات شهری مثل آب و برق تعلق نگیرد. جدا از این ترددهای وقت و بی‌وقت خودروها و موتور کراس‌ها از خیابان سوهانک برای رسیدن به تپه‌ها و کوه‌ها را هم نباید نادیده گرفت که باعث به هم خوردن آسایش اهالی محل می‌شود.



هوای سوهانک ۵الی ۶درجه از دیگر محله‌های پایتخت خنک‌تر است. آنطور که در منابع تاریخی نوشته شده این ده محبوب بسیاری از شاهزاده‌های قجری بوده است. آن‌ها یا چند روزی را اینجا اتراق می‌کردند یا در این آبادی خانه و کاشانه می‌ساخته‌اند. به همین دلیل، در آن دوره به سوهانک دره شاه‌پسند می‌گفتند. به گفته اهالی یکی از همسران فتحعلی‌شاه قاجار هم در این آبادی خانه داشته و شاه برای شکار و سر زدن به عیالش به این روستا می‌آمده. گو با شاهزاده‌ای قجری به نام حاج‌الدوله که در فرانسه فوت کرده، وصیت می‌کند که جنازه‌اش را به سوهانک بیاورند. عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه و همسرش معیرالملک هم تابستان‌ها را در سوهانک می‌گذرانند و عصمت‌الدوله همان جا به خاک سپرده شد.

آبادی محبوب شاهزاده‌ها

۱۸۰۰ متر

ارتفاع بالاتر از سطح دریا در محله سوهانک موجب شده برخی خانه‌های شمال محله خارج از حریم شهری قرار داشته باشد و جزو بافت روستا به حساب می‌آید.



۲۳۰۰۰ نفر

تعداد جمعیت محله قدیمی سوهانک است که ۵۱ درصد آن‌ها زن و ۴۹ درصد مرد هستند.





صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد. با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس: ۲۲۰۲۳۴۵۵-۲۶۴ mahaleh@hamshahri.org

بهترین قصه‌های تاریخی تهران
جایزه می‌گیرند

تخته‌پیل

میدانی برای تجارت و کسب و کار

عطار و کفاشی کنار هم

به گفته اعتمادالسلطنه، میدان تخته‌پیل در زمان سلطنت زندیه و سپس در دوران قاجار دشتی گسترده بود؛ محل کشت و برداشت انواع سبزی برای مصرف اهالی تهران و به سبزه‌میدان معروف. در کتاب تهران قدیم آمده، سبزه‌میدان از میدان‌های مهم دارالخلافه تهران بوده که به دستور امیرکبیر تغییراتی اساسی در بافتش ایجاد شد. سبزه‌میدان تهران علاوه بر محل کسب، محل تجمع مردم در ایام محرم بوده و هنوز نیز هست. این میدان اکنون، همان اسلوب قدیمی را دارد البته بدون آن درختان بلند، آب‌نماها و مغازه‌های قدیمی. سبزه‌میدان بعد از آنکه به صورت ۲ طبقه ساخته شد، حجره‌های پایینی را دارو فروش‌ها یا عطاری‌ها و طبقه فوقانی را تجار به‌دست گرفتند. دهانه اصلی ورودی بازار به بازار کفاش‌ها یا ارس‌دوزها راه می‌یابد و چهار طرفش با چهار دهانه به بازار صحاف‌ها و توتون فروش‌ها و کفاش‌ها منتهی می‌شود.

مریم قاسمی



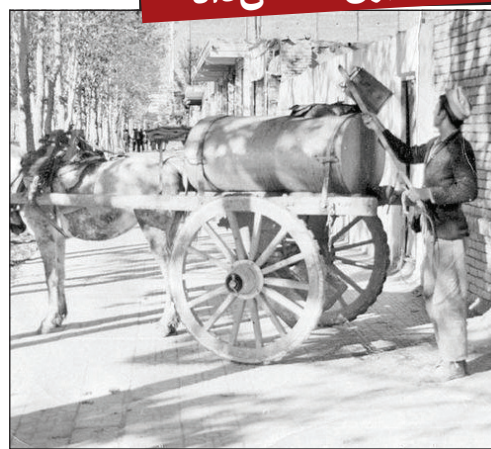
بورس کی به تهران آمد؟



۵۶ سال از ورود نخستین کارگزاران بخش خصوصی به بورس تهران می‌گذرد. در آن سال‌ها چراغ بورس اوراق بهادار تهران با ورود سهام «بانک صنعت و معدن» و «نفث پارس» روشن شد و شهروندان تهرانی برای نخستین بار با مقوله‌هایی همچون خرید اوراق بهادار و سود سهام آشنا شدند. امکانات دفتر بورس تهران به یک میز و چند صندلی و یک تخته سیاه محدود می‌شد و دفتر اولیه بورس در بانک کارگشایی درخیاان فردوسی قرار داشت. البته طرح اولیه راه‌اندازی بازار بورس اوراق بهادار در ایران به سال ۱۳۱۵ بازمی‌گردد. در آن سال به درخواست دولت ایران، یک فرد به نام «وان لوتف‌الد» درباره تشکیل بورس اوراق بهادار در ایران بررسی‌هایی انجام داد و حتی طرح قانونی تاسیس و اساسنامه آن را نیز تهیه کرد.

رضا نیکنام

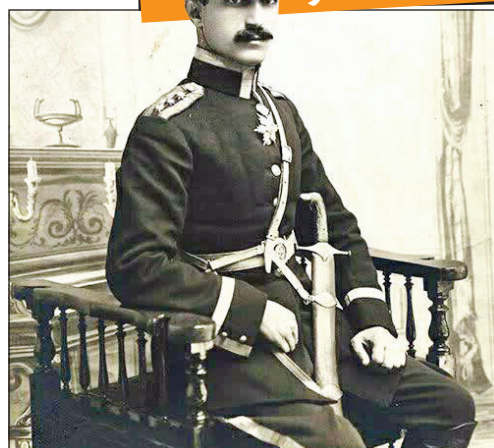
تجارت پرسودی که بوی گند می‌داد



روش غیراصولی دفع فاضلاب که در روزگاری به مشکل اصلی بلدیه تهران تبدیل شده بود، برای بعضی‌ها تجارتی پرسود هم بود. ویلم فلور، ایران‌شناس معروف هلندی در این باره نوشته: «برخی از کشاورزان با الا‌های خود به شهر می‌آمدند و فصولات و کثافات را بار الا‌ می‌کردند و با خود می‌بردند تا به عنوان کود در مزارع کشاورزی از آن استفاده کنند. انتقال فاضلاب به بیرون شهر توسط گروه ویژه‌ای به نام «کناس» انجام می‌شد که از این طریق امرامعاش می‌کردند. آنان حتی به دولت نیز بابت این کار مالیات می‌پرداختند. حق پاکسازی مستراح‌های عمومی بالا بود. برای مثال (سرویس بهداشتی) مسجد شاه تهران با ۴۰ مستراح، دارای سرقف‌ای معادل حداقل ۳۰ هزار تومان در سال بود. البته این پول به جیب رفتگران فاضلاب نمی‌رفت و بیشتر کسانی که آنها را استخدام کرده بودند، پول‌ها را می‌گرفتند.

سمیرا بابا جانپور

اولین زندانی زندان قصر



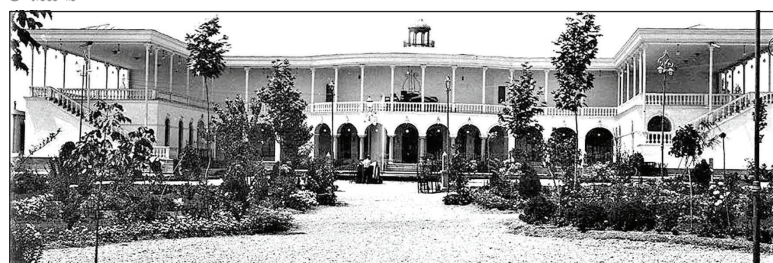
سرتیپ درگاهی، رئیس شهربانی در دوران حکومت رضاشاه، کسی بود که زندان قصر را در سال ۱۳۰۸ ساخت و ۲ روز بعد از افتتاح آن توسط رضاشاه برکنار شد و به عنوان نخستین زندانی زندان قصر محبوس شد. به گفته تهران‌شناسان، محمد درگاهی، فردی شرور و در مدرسه به ممدچاقو معروف بود. او پس از ساخت زندان، از رضاشاه و درباریان دعوت می‌کند تا برای افتتاح به زندان بیایند. او هنگام بازدید دری را باز می‌کند و همه را به داخل یکی از بندها می‌فرستد، اما همین که شاه می‌خواهد داخل شود تیمورتاش، وزیر دربار، مانع رفتن شاه به داخل بند می‌شود. مراسم که به پایان می‌رسد تیمورتاش به رضاشاه می‌گوید محمد درگاهی قصد داشت با ورود او به سلول در را به روی همه قفل کند و علیه آنها کودتا کند و ادامه ماجرا رقم می‌خورد.

زهرا بلندی

هتلی که تئاتر شهر شد

نیمه نخست سال ۱۳۱۱ بود که هتل بلدیه در چهارراه ولیعصر فعلی افتتاح شد. این هتل که مدتی بعد به کافه تغییر کاربری داد، این روزها با عنوان تئاتر شهر پایتخت، پاتوق هنرمندان و هنردوست‌هاست. زمین هتل متعلق به میرزا عیسی وزیر بود، اما شهرداری آن را تصاحب کرد تا دومین هتل تهران را در آن بسازد. حدود ۱۰۰ هزار تومان هم برای ساخت هتل هزینه کرد. در روزنامه اطلاعات آن زمان درباره این هتل نوشته شده بود: «عمارت مهمانخانه بلدیه مشرف به باغ زیبایی است که دارای خیابان‌بندی منظم و گلکاری‌های قشنگ است و این باغ خود به عظمت و شکوه عمارت بیشتر افزوده است.» طبق اسناد تاریخی در سال ۱۳۴۵ با تصویب ساخت سالن تئاتر مدرن در زمین‌های اطراف هتل، ساختمان این هتل هم به رادیو تلویزیون ملی سپرده و تئاتر شهر در محل کافه بلدیه راه‌اندازی شد.

ثریا روزبهانی



روایت‌های تهران
را با اسکن این
کیورکدها ببینید.

